

نقد و بررسی کتاب

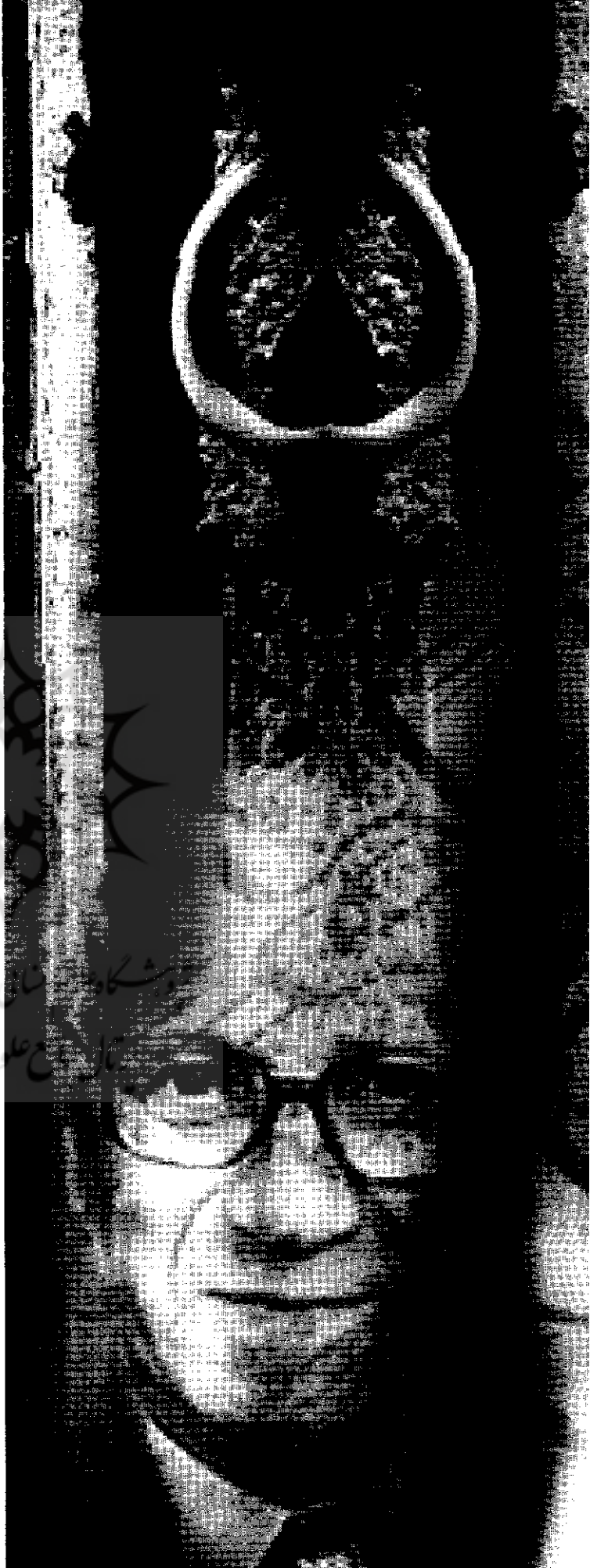
مدخل‌های قرآنی

دایرةالمعارف الاسلامیة الشیعیة

○ علیرضا بهار دوست

قرآن کریم خدای‌نامه‌های بزرگ، قانون و دستور اساسی مسلمانان و سنگ بنای تمدن درخشان اسلامی است. همه دانشمندان و حتی خاورشناسان بی‌غرض و با انصاف به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ کتابی به اندازه قرآن در فرهنگ و حیات بشریت مؤثر و با نفوذ نبوده است. از نظر واقعیت و اعتبار تاریخی و صدق و صحت، در حیطة تمدن و فرهنگ کهن بشری، از اعصار پیش از تاریخ تا امروز، هیچ کتاب مقدسی در حوزه هیچ یک از ادیان نداریم که به روشنی و مقبولیت قرآن کریم باشد. در حیطة فرهنگ و تمدن اسلامی نیز هیچ کتابی را سراغ نداریم که به اندازه قرآن کریم درباره آن این همه آثار مکتوب موجود باشد؛ اعم از تفاسیر مختلف در شرح و توضیح آن، کتاب‌های گوناگون در علوم و دانش‌های قرآنی، فرهنگ‌ها، دایرةالمعارف‌ها و تک‌نگاری‌ها. این همه، اهمیت و عظمت این کتاب آسمانی را می‌رساند و بالطبع در دایرةالمعارفی که حوزه خود را اسلام و تشیع معرفی کرده، بایستی مدخل‌های قرآنی بسامد بالا و جایگاه ویژه‌ای داشته باشد؛ اما با کمال تأسف مدخل‌های قرآنی در دایرةالمعارف الاسلامیة الشیعیة زیر نظر مرحوم حسن امین این‌گونه نیست.

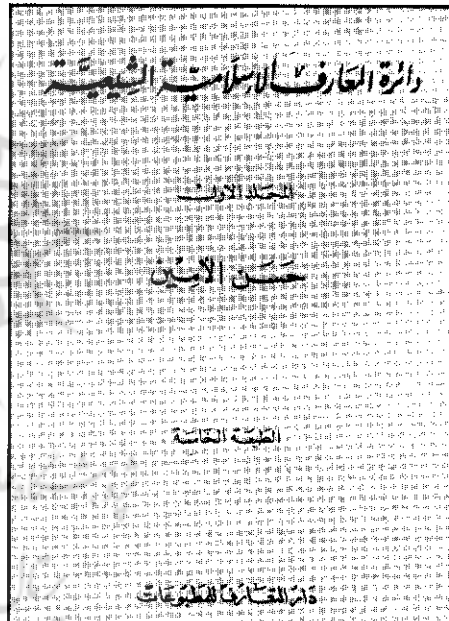
عنوان دایرةالمعارف الاسلامیة الشیعیة این تصور را در ذهن خواننده پدید می‌آورد که در این دایرةالمعارف موضوعات با اهمیت در حوزه اسلام و تشیع بحث و بررسی شده است؛ اما با جستجوی اندک، این پندار، خلاف واقع می‌نماید. در مجلدات یازده‌گانه این دایرةالمعارف تنها در حدود بیست مدخل در حوزه دانش‌ها و معارف قرآنی وجود دارد که البته بسیار اندک است. از سوی دیگر، موضوعات و مدخل‌های بسیاری در این دایرةالمعارف نگاشته شده که به حوزه اسلام و تشیع مربوط نیست یا دست‌کم ارتباط اندکی دارد. یکی از موضوعاتی که در این دایرةالمعارف مغفول مانده، دانش‌ها و مدخل‌های مرتبط با قرآن است. نگارنده پیش از بررسی اجمالی برخی مدخل‌های قرآنی در این دایرةالمعارف نکات زیر را شایان ذکر می‌داند:



دایرة المعارف به این نتیجه خواهد رسید که هیچ ملاک و معیاری در تعیین حجم مقالات در نظر نبوده است؛ ممکن است مقاله بسیار کم‌اهمیتی بلند و مفصل باشد و برعکس مقاله با اهمیتی، کوتاه و کم‌حجم.

۲. تلاش مرحوم حسن امین را که به تنهایی و با امکاناتی اندک به تدوین این دایرة‌المعارف پرداخته، نمی‌توان نادیده گرفت. در این دایرة‌المعارف برخی مقالات محققانه و سودمند (به ویژه در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی) به چشم می‌خورد، اما به دلایل متعدد این اثر را نمی‌توان «دایرة‌المعارف» به معنای مصطلح و امروزی آن به شمار آورد و تنها می‌توان آن را «جنگ» یا «مجموعه»‌ای از مقالات و نوشته‌ها در موضوعات مختلف با محوریت اسلام و تشیع دانست. یکی از مهم‌ترین دلایل این مدعا این است که بسیاری از مقالات آن برای دایرة‌المعارف و با رویکرد دایرة‌المعارفی نوشته نشده است، بلکه یا بخشی از کتاب مؤلف آن است یا مقاله‌ای است که پیش‌تر منتشر شده و چون مرحوم حسن‌امین آن را مناسب یافته، برای درج در این دایرة‌المعارف انتخاب شده است.

۳. از ضعف‌های اساسی مقالات این دایرة‌المعارف، که بسیار به چشم می‌آید، فقدان منابع و مأخذ در پایان هر مقاله است. همچنین بسیاری از مقالات این دایرة‌المعارف فاقد ارجاعات و استنادات است و یا اگر هست، از شیوه یکسانی در همه مقالات پیروی نمی‌کند. روشن است که منابع و مستندات هر نوشته علمی در واقع در حکم معیاری برای ارزش‌گذاری و درجه‌اصالت مطالب ارائه شده در آن نوشته به شمار می‌رود. لزوم اثبات مستدل مطالب ارائه شده در مقاله دایرة‌المعارفی، ایجاب می‌کند که مطالب این مقالات با تتبع و تفحص و مراجعه به اسناد و مدارک تدوین شود و مدعاها مستند به سند و مدرکی معتبر و قابل قبول باشد. بدین ترتیب مطالب نوشته علمی نه تنها اصالت و اعتبار می‌یابد که مآلاً از طریق اسناد و مدارک ارائه شده امکان



۱. دایرة‌المعارف‌نویسی کاری بسیار تخصصی و دارای سلسله‌مراحل است که چنانچه هر مرحله با روش و اسلوب صحیح انجام نپذیرد، در مراحل بعدی تأثیر خواهد گذاشت و به ضعف و بی‌روسی آن منجر خواهد شد. نویسنده با بررسی اجمالی برخی مجلدات این دایرة‌المعارف آن را بسیار غیر روشمند، بی‌اسلوب و سهل‌انگارانه یافت که از روی شتاب تدوین شده است. این ویژگی هم در مراحل آغازین، یعنی مدخل‌یابی و گزینش مدخل‌ها، و هم در کمبود چشمگیر بسیاری از موضوعات و مصطلحات و نیز در تفصیل و اجمال ناموزون مقالات رخ می‌نماید. همچنین هر محقق تازه‌کاری با بررسی مقالات این



و شعاری به ردّ دیدگاه‌های خاورشناسی می‌پردازد که اسلام را دین جنگ می‌خوانند. از رهگذر شتابزدگی در مرحله چاپ و انتشار نیز صفحات ۳۲ تا ۱۹۲ در جلد هشتم، عیناً در جلد نهم تکرار می‌شود و تکلیف مطالب این صفحات در جلد نهم مبهم می‌ماند؛ جدای از اینکه با این اشتباه، مدخل «الفلسفة الاسلامیة» نیمه کاره رها شده و صفحات آغازین مدخل «القضاء و القدر» افتاده است. نمونه دیگر مدخل «قیاس» در جلد نهم است که در صفحه ۳۰۴ ناگهان قطع می‌شود و ناتمام وارد میانه‌های مدخل «العروض و القافیه» می‌گردد.

و اینک به بررسی اجمالی برخی از مدخل‌های قرآنی این دایرةالمعارف می‌پردازیم.

القرآن: نگارنده بسیار شگفت زده شد وقتی که مدخلی با این عنوان در این دایرةالمعارف نیافت؛ اما آن گاه که در مستدرکات آن، بی‌نوشت و افزوده‌ای را برای مدخل «القرآن» مشاهده کرد، دریافت که از رهگذر همان شتابزدگی که پیش‌تر آوردیم، مدخل «القرآن» در چاپ یازده جلدی این دایرةالمعارف افتاده است. بنابراین برای بررسی آن به چاپ سه جلدی مراجعه کرد. با مراجعه به محتوای این مقاله روشن می‌شود که رویکرد نویسنده

دسترسی به گستره پهناتری در هر زمینه برای خواننده مشتاق فراهم می‌آید. همچنین با ارائه مستندات هر نوشته و اسناد هر قول به صاحب آن، دَیْن معنوی و فکری نویسنده به پیشکسوتان و بزرگان هر حوزه فکری و نخستین طراحان هر اندیشه تا حدودی ادا می‌شود. اهمیت وجود منابع و مستندات به ویژه در مقالات دایرةالمعارفی از جهت دیگر نیز رخ می‌نماید؛ چه هنگامی که پژوهشگری می‌خواهد درباره مطلبی به تحقیق بپردازد، در نخستین گام‌ها به دایرةالمعارف مراجعه می‌کند تا علاوه بر این که نمایی کلی از آن تحقیق به دست آورد، به منابع و مراجع اساسی نیز وقوف یابد.

۴. شتابزدگی در مراحل تدوین و انتشار این اثر به چشم می‌آید. سازگار نبودن محتوای برخی مقالات با عنوان مدخل‌ها، به سبب عدم گزینش مقاله‌ای جامع و مانع و دقت نکردن در مرحله صفحه آرایی (در چاپ یازده جلدی) از مصادیق این شتابزدگی است.

برای نمونه ذیل مدخل «براءة (اسم سورة فی القرآن)» به جای آن که به معرفی و گزارش محتوای سورة برائت (توبه) همان‌گونه که از عنوان مدخل برمی‌آید بپردازد، به صورت خطابی

عصر نزول تا دوره شیخ طوسی و تفسیر تبیان برمی‌رسد. مباحث مقدماتی و کلیاتی را که مؤلف ذیل این مدخل بیان می‌دارد، حکایت از بررسی‌های اجتهادی وی دارد و برای سرآغاز مدخل نسبتاً مناسب به نظر می‌رسد؛ جز آن که برخی مباحث مانند: چرایی نیاز به تفسیر یا وجود شیوا بودن کلام الهی، بررسی واژه‌شناختی و ریشه‌شناسانه واژه تفسیر، دانش‌هایی که مفسر بدان‌ها نیاز دارد و کلیاتی دربارهٔ مصادر تفسیر و مراحل تکوین و تدوین آن و پاره‌ای مباحث دیگر مغفول مانده است. همچنین مقوله تفسیر به عنوان یک علم، نیازمند تفصیل بیشتری است. مفهوم تأویل که ذیل این مدخل بررسی شده، شایسته مدخل مستقلی است. به فرض که بپذیریم جایگاه آن مناسب است، هیچ کوششی از سوی مؤلف برای ربط دادن آن با مباحث پیشین صورت نگرفته است؛ به دیگر سخن ترتیب منطقی میان این مبحث با مباحث پیشین وجود ندارد. نقطه ضعف دیگر دربارهٔ دو بخش آغازین مدخل «التفسیر»، فقدان منابع، مستندات و ارجاعات است. دربارهٔ میان‌تیتیر و مقاله «تطور کتب التفسیر انتهای بکتاب التبیان» نیز باید گفت هرچند دوره‌های آغازین تفسیر را نسبتاً خوب گزارش می‌دهد، اما تأکید بر دو تفسیر جامع‌البیان طبری و التبیان شیخ طوسی در مقاله دایرةالمعارف جایی ندارد. مقاله دایرةالمعارف در حوزه تاریخ تفسیر بایستی با بررسی همهٔ منابع و روش‌های تفسیری به گزارش سیر تحول تفسیر از آغاز تاکنون بپردازد.

مدخل‌هایی که در این دایرةالمعارف به معرفی کتاب‌های تفسیری می‌پردازد، تنها چهار مدخل است با عناوین: «تفسیر البرغانی»، «تفسیر سلیمانی»، «تفسیر الاشتیانی» و «تفسیر الطوسی» و یقال تفسیر النصیری». در دایرةالمعارف که بسیاری از تفسیرهای معتبر و مشهور مثل: الکشاف زمخشری، تفسیر کبیر (مفاتیح‌الغیب) نوشتهٔ امام فخر رازی، روح‌الجنان و روح‌الجنان یا تفسیر ابوالفتوح رازی، کشف‌الاسرار و عدۃ‌الابرار نوشتهٔ رشیدالدین میبیدی، المیزان فی تفسیرالقرآن نوشتهٔ علامه طباطبایی و ده‌ها تفسیر ارزنده و معروف دیگر معرفی نشده و مدخل اختصاصی ندارد، گزینش این تفاسیر نامعتبر و غیرمشهور به عنوان مدخل جای پرسش دارد.

التأویل العقلی عندالفارابی و ابن‌سینا: این عبارت که ظاهرأ

آن، رویکردی همه‌جانبه، کلی‌نگر و دایرةالمعارفی به موضوع قرآن نیست؛ بلکه بخش اعظم آن (۶ صفحه از ۸ صفحه کل مقاله) در واقع پاسخی است به نویسندگانی چون مصطفی صادق‌الرافعی و محمدعبدالعظیم الزرقانی که اعتقاد به تحریف قرآن را به جملگی شیعیان نسبت می‌دهند.

روشن است که موضوع پراهمیت «تحریف» در دایرةالمعارفی این‌چنین، که موضوعات بی‌ربط یا دست‌کم دارای ارتباط اندک با حوزه اسلام و تشیع در آن آمده است، مدخل جداگانه‌ای می‌طلبد و مستقلاً جای بحث و بررسی دارد. البته مباحثی که دربارهٔ اثبات تحریف‌ناپذیری قرآن ذیل مدخل «القرآن» در این دایرةالمعارف طرح شده، به فرض پذیرش آن به عنوان یک مقاله دایرةالمعارفی، تنها بخشی از مدخل «تحریف» خواهد بود که می‌بایست در این دایرةالمعارف می‌آمد و مباحثی دیگر نیز نظیر تحریف در کتاب‌های آسمانی دیگر، بررسی کتاب فصل الخطاب محدث‌نوری و نوشته‌هایی که در رد آن به انجام رسیده، باید ضمن آن مطرح شود. در بخش مستدرکات هم پی‌نوشت و افزوده‌ای بر مدخل «القرآن» آمده که محتوای آن جملگی دربارهٔ دلالت الفاظ قرآن است که بایستی در دانش اصول فقه بررسی شود.

التفسیر: دربارهٔ شمار بسیار اندک مدخل‌های حوزه تفسیر در این دایرةالمعارف باید گفت که در این مدخل‌ها نوعی پریشانی ظاهری و ضعف و کاستی محتوایی و در سنجش با یکدیگر نوعی درهم‌آمیختگی و آشفتگی دیده می‌شود. مهم‌ترین مدخل در این حوزه، خود مدخل «التفسیر» است که در حدود پانزده صفحه حجم دارد. مؤلف ذیل این مدخل در ابتدا معنای لغوی تفسیر و ارتباط آن را با مفهوم «ظهور» نزد اصولیان بررسی کرده است و آنگاه به بحث در این باره پرداخته که آیا تفسیر معنایی نسبی دارد یا دارای معنایی موضوعی است که با تعدد افراد مختلف نمی‌شود. وی سپس به دو گونه تفسیر، تفسیر لغوی و تفسیر معنایی می‌پردازد و اهمیت جداسازی این دوگونه از تفسیر را یادآور می‌شود. بررسی مفهوم تأویل و ارتباط آن با تفسیر و ذکر برخی آرای قرآن‌پژوهان در این باره، مبحث دیگری است که مؤلف به اختصار در ادامه بدان پرداخته است. مؤلف در پایان ذیل میان‌تیتیر «تطور کتب التفسیر انتهای بکتاب التبیان»، تاریخ تفسیر و سیر تحول آن را از

مختصر آن (یک صفحه از بیست و سه صفحه کل مقاله) مفهوم تأویل و تفاوت آن با تفسیر بررسی شده است.

التبیان: التبیان فی تفسیر القرآن تفسیری است از محمدبن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی، فقیه، متکلم و محدث برجسته شیعه در قرن پنجم. این کتاب، نخستین تفسیر کامل شیعی از قرآن کریم است که مفسر آن علاوه بر نقل روایات، با تکیه بر عقل و توجه به دانش‌های گوناگون به ارزیابی آرای تفسیری گذشتگان و قرآن‌پژوهان هم‌عصر خود پرداخته است؛ از این رو این تفسیر در شمار تفاسیر جامع است؛ یعنی انواع علوم و فنون متعلق به تفسیر قرآن، همچون صرف و نحو و معانی و بیان و حدیث و



فقه و تاریخ را دربرمی‌گیرد. روشن است که در یک مقاله دایرةالمعارفی باید همه جنبه‌ها و رویکردهای این تفسیر معرفی شود؛ اما در این مقاله تنها رویکرد لغوی مفسر تبیان بررسی شده است. حتی با جست‌وجوی اندک نگارنده مشخص شد که این مقاله سال‌ها پیش از انتشار آن در این دایرةالمعارف، در یادنامه شیخ طوسی با عنوان عرض لاتجاه اللغوی فی تفسیر التبیان منتشر شده است و مانند بسیاری از مقالات این چنین، هیچ اشاره‌ای به این مسأله نشده است.

اسباب نزول القرآن: این مدخل با امضای محمدرضا الحسینی الجلالی است که پیش‌تر در سال ۱۴۰۶ قمری، در مجله تراثنا (سال اول، شماره چهارم) با عنوان «اسباب نزول القرآن، اهمیتها، طرفها، حجیتها و مصادرها» منتشر شده است که هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است. نگارنده هرگز منکر غنای محتوایی این مقاله و فضل و دانش مؤلف محترم آن نیست، ولی بر متخصصان فن روشن است که سبک و روش مقالات دایرةالمعارفی با مقالاتی که در مجلات منتشر می‌شود، بسیار تفاوت دارد.

آیات الاحکام: ذیل این مدخل کتاب احکام القرآن تألیف محمدبن سائب کلیبی که از اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) بوده، به گونه بسیار مختصر (تنها در حدود نیم ستون) معرفی شده است. مؤلف این کتاب را نخستین تألیف در

عنوان مقاله یا بخشی از کتاب یا مقاله‌ای با همین عنوان است، اصلاً برای عنوان یک مدخل مناسب به نظر نمی‌رسد. تأویل واژه‌ای است قرآنی که به عنوان یک اصطلاح در حوزه‌های علوم قرآن و حدیث، کلام، فلسفه و عرفان کاربرد دارد. با این توضیح رویکردهای مختلف یک مقاله دایرةالمعارفی در موضوع تأویل مشخص می‌شود. در رویکرد قرآنی و حدیثی پس از بررسی واژه‌شناسی و معناشناختی آن به بحث درباره کاربردهای معنایی متفاوت این واژه در قرآن و روایات پرداخته می‌شود و تحول معنایی و مفهومی آن بررسی می‌شود.

دیدگاه ابن تیمیّه و پیروان وی درباره معنای تأویل و نقد و بررسی آن از سوی برخی معاصران، موضوعی است که باید در این مقاله منظور می‌شد. در رویکرد حدیثی نیز، ارتباط واژه تأویل با تنزیل و همچنین ظهر و بطن و جری و انطباق (یا تطبیق) درخور بررسی است. در حوزه کلام و فلسفه، بایستی چگونگی ارتباط این واژه با اصطلاحاتی مانند: «بیان»، «تفسیر»، «صریح» و جز اینها و واژگان لاتینی مثل: "hermes", "reductum", "reducere" و "hermeneuein" بررسی شود و همچنین مسأله تأویل در اصول عقاید به جهت تطابق منسبات قرآن و حدیث با قوانین نظری و مقدمات عقلی برای تقدیس خدای متعال و تنزیه او از صفات امکانی مطرح گردد. در این حوزه شایسته است میزان بهره‌وری از ظواهر الفاظ و اعتقاد به مجاز و کنایه در میان فرق کلامی و همچنین اسباب پیدایی اصحاب رأی و قیاس، باطنیه و ظاهریه و کاربرد تأویل در رسائل اخوان الصفا بررسی شود. بررسی آرای فیلسوفان و متکلمان چون ابن‌رشد، غزالی، ملاصدرا، عبدالرزاق لاهیجی، فارابی و بوعلی نیز شایسته است. در حوزه عرفان نیز تأویل کاربرد بسیاری دارد که در این مقاله درخور بررسی است. اما این مقاله که به عنوان یک مدخل در این دایرةالمعارف برگزیده شده، تنها به رویکرد فلسفی تأویل آن هم از منظر فارابی و ابن‌سینا ناظر است؛ هرچند در مقدمه بسیار

مورد مراجعه قرار می‌گرفت. حتی مؤلف که در پاره‌ای موارد دیدگاه‌های برخی از فقیهان متقدم اهل سنت را ذکر می‌کند، به جای استفاده از منابع دست اول، از مصادر متأخر بهره می‌گیرد. وی در این مقاله به موضوعات بسیار مهم ارتباط استحسان و قیاس، گونه‌های استحسان به اعتبار معدول و مستند و نیز سیر تحول استحسان در مذاهب فقهی اهل سنت نیز به درستی نپرداخته است و در عوض موضوع «مرجحات باب تعارض» را که جای بحث و بررسی آن مکان دیگری است، در این مقاله آورده است.

اجازه: مدخل اجازه مانند بسیاری از مقالات این دایرة المعارف سبک و سیاق یک مقاله دایرة المعارفی را ندارد. روشن است که «اجازه» از فروع علم «حدیث» است ولی در عین شگفتی ملاحظه می‌شود که حجم مقاله «اجازه» بیش از ده صفحه و مدخل «حدیث» در حدود هشت صفحه است. این نمونه نیز تفصیل و اجمال ناموزون مقالات این دایرة المعارف را می‌رساند. همچنین با بررسی محتوایی این مقاله مشخص می‌شود که بسیاری از بخش‌های آن به موضوع «اجازه» ربط ندارد و زاید به نظر می‌رسد؛ مانند: نقل و توضیح دیگر موارد طرق تحمل حدیث، ذکر کتب اربعه شیعه، توضیح مفهوم جرح و تعدیل و بیان اصول و مبانی آن و ضابطه‌های پذیرش یک فرد به عنوان راوی.

اثنا عشریه: درست است که جلد نخست این دایرة المعارف یازده جلدی به موضوع تشیع اختصاص دارد، اما مدخل اثنا عشریه نیز بایستی در این دایرة المعارف جایگاه مهمی داشته باشد و مقاله‌ای که متکفل بررسی آن است در شمار مقالات نسبتاً بلند قرار گیرد؛ اما در عین شگفتی ملاحظه می‌گردد که حجم این مقاله تنها یک ستون است. در برابر، مقالات بی‌اهمیت یا کم‌اهمیتی مانند «البترول» (نفت) وجود دارد که ده‌ها صفحه از حجم این دایرة المعارف را به خود اختصاص داده است. این مسأله، مدعی نگارنده را که هیچ ملاک و معیاری در کوتاهی یا بلندی مقالات این دایرة المعارف وجود نداشته تأیید می‌کند. همچنین بخش‌های پایانی همین مقاله کوتاه، رنگ شعاری و خطابی به خود می‌گیرد و به جای نقد علمی، ادعاهای دایرة المعارف اسلام لاتین را دروغ و بهتان معرفی می‌کند. ■

موضوع آیات الاحکام دانسته و در پایان آورده است جز این کتاب، ۲۹ تألیف دیگر با عنوان «آیات الاحکام» موجود است که مشهورترین و سودمندترین آنها کتاب شیخ احمد جزائری نجفی (درگذشته ۱۱۵۱ ق) است. هر پژوهشگر علوم اسلامی تفتن دارد که آنچه از موضوع «آیات الاحکام» به ذهن می‌رسد، بسیار فراتر از محتوای این مقاله است. مجموعه‌ای از آیات قرآن که در آنها احکام فقهی اسلام گزارش شده است، «آیات الاحکام» نامیده می‌شود که بحث درباره آن از سده‌های آغازین اسلام تاکنون معركة آرا بوده است. شمار آیات الاحکام، گستره مباحث فقهی قرآن، بررسی شیوه‌های مختلف تفسیری در کتب آیات الاحکام و سیر تحول تفسیر فقهی از جمله مباحث مهمی است که بایستی ذیل مدخل «آیات احکام» گزارش شود؛ به ویژه این که ذیل مدخل «التفسیر» و هیچ جای دیگر در این دایرة المعارف به تفسیر فقهی به عنوان یک منهج تفسیری پرداخته نشده است.

و اما برخی از مدخل‌های دیگر این دایرة المعارف نیز که جزء حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی نگارنده است، مورد بررسی اجمالی قرار گرفت که نتیجه آن در پی می‌آید:

الاستحسان: یکی از نقاط قوت و ویژگی‌های مهم مقالات دایرة المعارفی، استفاده از منابع و مستندات بیشتر و دست اول‌تر است که مقاله «الاستحسان» در این دایرة المعارف فاقد آن است. موضوع مهم استحسان که از سده‌های نخستین تاکنون در فقه اهل سنت بسیار کاربرد دارد و معركة آرای فقیهان بوده است، در این دایرة المعارف تنها ده منبع دارد که در حدود نیمی از آنها، منابع غیرمربوطی مثل الغدير علامه امینی و دراسات فی الفلسفة الاسلامیة از تفتازانی غنیمی است و بیشتر منابع دیگر نیز از متأخران است. منابع و مصادر فراوانی مانند: المحصول رازی، ارشاد الفحول شوکانی، المسودة ال تیمیه، المعتمد بصری، اصول سرخسی، الابهاج سبکی، قواطع الادله ابن سمعانی، بدایة المجتهد ابن رشد، الرسالة شافعی، التقرير والتحجیر ابن امیر حاج، المنخول غزالی، الاحکام ابن حزم، روضة الناظر ابن قدامه، المستصفی غزالی و مانند اینها و از متأخران اهل سنت کتاب مهم نظریة الاستحسان فی التشريع الاسلامی وصلتها بالمصلحة المرسله نوشته دکتر محمد عبداللطیف صالح فرفور، بایستی در این مقاله